



مدیر نشر «ثالث» در گفت وگو با «ایرنا»، با اشاره به شرایط فعلی اهالی نشر گفت: «بنا بر دلایل مختلف، قطار صنعت نشر از ریل خارج شده است، درنتیجه، نخستین کاری که دولت جدید باید بکند، این است که قطار را به ریل برگرداند. سال های گذشته باعث شد شرایطی شکل بگیرد که بسیاری از ناشران و مترجمان کار خود را ترک کنند و این باعث ضربه بزرگی به فرهنگ شد. اختیار خیلی از مسائل صنفی اتحادیه ناشران و کتاب فروشان از صنف گرفته شد.»

محمدعلی جعفریه با اشاره به رفتار سلیقه ای دربرابر قانون که پیش از این وجود داشت، ادامه داد: «در برخورد با ناشران، و به شکل کلی فرهنگ مکتوب، شخص تصمیم گرفت و قانون تصمیم نگرفت. اشخاصی به اسم مدیر اداره کتاب، ترس و... تصمیم گرفتند و کتابی که سال ها در جمهوری اسلامی مجوز نشر داشت، ممنوع شد، درنتیجه، منبع درآمد ناشری که سرمایه گذاری کرده، نویسنده ای که سال ها وقت گذاشته و کتاب را تألیف یا مترجمی که کتاب را ترجمه کرده بود، از بین رفت.» به گفته او، شرایط باید به زمان قبل از این اتفاق ها بازگردد و دولت حمایتش را عام کند نه خاص، یعنی باید از طیف کتاب خوان حمایت شود. این کار باعث می شود تمام افرادی که از مسائل اقتصادی و فرهنگی کتاب منتفع می شوند، بتوانند سود ببرند.

● کتاب باید ارزان تر به دست مخاطب برسد

جعفریه در ارزیابی منابع کتابخانه ها بیان کرد: «متأسفانه، امروز کتابخانه های عمومی از کتاب های روز خالی شده است. اگر دولت بود چه ای در حوزه فرهنگ بگذارد، باید با آن کتابخانه های عمومی را گسترش دهد و کتاب ها را به روز کند. طبیعی است که هر کتابی احتیاج دارد و علاقه مند به خواندن آن هستیید. کتابخانه ها ندارند، بود بود چه کتاب فروش و کتابخانه ها صرف خرید کتاب های خاص و سلیقه ای شده است.»

مدیر انتشارات «ثالث»، با تأکید بر لزوم ایجاد شرایط برای دسترسی ارزان مخاطبان به کتاب، ادامه داد: «باید شرایطی فراهم شود که کتاب ارزان تر به دست مخاطب برسد، زیرا کتاب اولویت زندگی اکثر افراد در این جامعه نیست و باعث می شود مردم، در شرایط اقتصادی ای که دارند، کمتر بتوانند کتاب بخردن. زمانی که ما به شکلی مانند تجهیز کتابخانه مدارس و شهرداری، کتاب را به سید خانواده می آوریم، ناشر هم، با گردش مالی ای که در نتیجه این اقدام خواهد داشت، کتاب های بیشتری را منتشر می کند و طبیعی است که مؤلف و مترجم هم می توانند زندگی شان را از این راه بگذرانند.»

به گفته وی، اگر مدیران آشنا به حوزه کتاب و نشر و نه مدیران سلیقه ای، بتوانند کتاب را برای مردم دسترس پذیر کنند، بخشی از مشکلات حل خواهد شد. یکی از مشکلاتی که داریم، این است که مدیران و بررس های اداره کتاب مدتی می ماند و بعد از یک سال تغییر می کنند.

● مسئولیت انتشار کتاب با ناشر و نویسنده باشد

جعفریه، با مطرح کردن این پیشنهاد که مجوز انتشار کتاب را به ناشر بازگردانند، توضیح داد: «یعنی مسئولیت انتشار کتاب با ناشر و نویسنده باشد، زیرا در کشوری زندگی می کنیم که در آن قانون اساسی و مدنی داریم، هرکسی طبق قانون باید پاسخگوی کار خود باشد. وقتی که قوه قضاییه داریم، اگر مشکلی در کتاب باشد، توسط این قوه قابل رسیدگی است.»

مدیر نشر ثالث، با تأکید بر اینکه قوانین حدود کار او را مشخص کرده است، گفت: «به قوانین احترام می گذارم، قوه قضاییه یعنی قوه ای که حق را به حق دار برساند و ما هم در این صورت حاضریم در خدمت قوه قضاییه باشیم.»

او ادامه داد: «یارانه، اگر به صورت عمومی نباشد، باعث رانت می شود. یارانه باید به زیربنا داده شود، یعنی یارانه برای آب، برق، تلفن و مالیات حوزه نشر را برای عموم در نظر بگیرند تا هر دولتی که تغییر می کند، بتواند از یارانه استفاده کند.»

پس از چند ماه وقفه و تعطیلی، دور جدید فعالیت «کتاب شهر» در مشهد با تیم مدیریتی جدید آغاز شد.

ابوالفضل رحیمی، مدیر جدید این فروشگاه، گفت: «در دور جدید فعالیت کتاب شهر مشهد، علاوه بر کتاب، به صورت جدی به بخش های دیگری همچون محصولات فرهنگی، صنایع دستی، بازی و حتی غذای سالم نیز ورود شده است.»

وی امکان خرید قسطی را نیز یکی از ویژگی های دور جدید فعالیت «کتاب شهر مشهد» اعلام کرد و افزود: «پیش بینی شده است که تمام محصولات را، بدون ضامن و چک، به صورت اقساطی نیز به متقاضیان عرضه کنیم.»

رحیمی، با تأکید بر اولویت اقتصاد فرهنگ در دوره جدید، گفت: «حوزه فعالیت های تازه، همچنین، تولید و فروش نوشت افزار ایرانی اسلامی، عرضه بازی های فکری و اسباب بازی داخلی، و ارائه پوشاک ایرانی را شامل می شود.»

او افزود: «بخش بازی های رایانه ای هم از برنامه های ویژه و متفاوتی است که در این دوره افزوده شده است. همچنین، در کتاب شهر مشهد، کافه ای برای دورهمی های دوستانه و فرهنگی ایجاد کرده ایم.»

«کتاب شهر مشهد»، در بولوار شهید مدرس، در فضایی بالغ بر ۲۵۰ مترمربع و با حدود ۱۰ هزار عنوان کتاب، رسماً، از روز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) همه روزه، از ساعت ۷ تا ۲۱، آماده خدمات دهی به علاقه مندان و اهالی کتاب خواهد بود.

● **سر بخت بدخواه با خشم اوی**
چو دینار ^{۱۱} شد خوار بر چشم اوی ^{۱۲}
● **نه کنداوری ^{۱۳} گیرد از تاج و تخت**
نه دل ^{۱۴} تیره ^{۱۵} دارد ز زرم ^{۱۶} و ز رنج

● **هراُن کس که دارد ز پروردگان ^{۱۷}**
از آزاد ^{۱۸} و از نیک دل بُردگان ^{۱۹}
● **شهنشاه را سربه سر ^{۲۰} ا دو ستار**
به فرمانش بسته کمر ^{۲۱} استوار ^{۲۲}

۱- دینار: سکه طلا. ۲- بخت و اقبال شخصی بداندیش، بر اثر خشم سلطان، همان اندازه تیره شد که سکه طلا در چشم سلطان بی ارزش می نمود. ۳- کنداوری: بزرگی، ارج. ۴- تیره: گرفته، اندوهگین. ۵- زرم: اشک. ۶- پروردگان: پرورش یافتگان (نزد سلطان). ۷- آزاد: آن که بنده و برده نباشد. ۸- نیک دل بُردگان: بردگان نیک دل، خدمتکاران خیرخواه. ۹- سربه سر: همه، یکسر. ۱۰- بسته کمر: کمر بسته است، آماده است. ۱۱- استوار: محکم، ثابت قدم. ۱۲- شاه: امیر، فرمانده. ۱۳- کشور: شهر، سرزمین. ۱۴- روان: زیانزد، باقی. ۱۵- از بیت ۱۹۸ تا اینجا یک جمله است، به این صورت که «هراُن کس که [...] است، نامش همه جا سر زبان هاست.»

درباره کتابخانه مرکزی شهرداری که در آن به روی عموم هم باز است

فقط یک کارت شناسایی بدهید و کتاب بگیرید



شاید، در وهله اول، نام «کتابخانه مرکزی شهرداری» این ذهنیت را برای عموم به وجود بیاورد که جایی ویژه کارکنان شهرداری است و افراد دیگر نمی توانند از منابع موجود در آن استفاده کنند. ولی، هرچند، بنا به گفته های زهرا نوری مطلق. کتابدار باسابقه کتابخانه، مدیریت اینجا با شهرداری است و نه اداره ارشاد و، به همین دلیل، ذیل کتابخانه های عمومی فعالیت نمی کند. همه می توانند با به امانت گذاشتن یک کارت شناسایی، از کتاب های عمومی و تخصصی آن استفاده کنند. کتابخانه مرکزی شهرداری مشهد، در میدان شهدا، طبقه منهای یک تالار شورای شهر قرار دارد. در راستای معرفی کتابخانه های شهر در این صفحه، امروز قصد کرده ایم برایتان از این کتابخانه بگوییم که احداثش به اوایل دهه ۷۰ برمی گردد. آنچه از سابقه و وضعیت کنونی این کتابخانه نوشته ایم، ما حاصل گفت وگو با زهرا نوری مطلق است.



● کتابخانه ای با سابقه سی ساله

زهرا نوری مطلق از سال ۱۳۷۴ وارد کتابخانه شهرداری شده است و حالا نزدیک به سی سال است که دارد در اینجا فعالیت می کند. کتابخانه البته یکی دو سال قبل ترش افتتاح می شود و بعد از آن، با چند مرتبه جابه جایی، پروپیمان تر می شود. او دقیقاً درباره سابقه این کتابخانه برای ما توضیح می دهد: «این کتابخانه، در سال ۱۳۷۴، به شکلی که الان می بینید، نبود. در ساختمان شهرداری مرکز، یک اتاق سه در چهار بود، چند قفسه تویش چیده بودند و کتاب هایی از این طرف و آن طرف جمع کرده بودند که بیشتر عقیدتی و سیاسی بود یا چاپ های خیلی قدیمی از کتاب هایی چون آثار شهید مطهری، مدیر وقت کتابخانه تصمیم گرفت آنجا را توسعه دهد. من به کتابخانه آدمم و با حمایت های او استارت کتابخانه خورد و روز به روز به کتاب های آن اضافه شد. شش ماه در این اتاق بودیم و بعد یک سالن کوچک

سر آن اضافه شد.» کتابخانه در همین مکان به فعالیت خود ادامه می دهد و اندک اندک تغییراتی بیشتری به خود می بیند. «سال ۱۳۷۶ با توجه به اینکه کتاب ها و خریده ها بیشتر شده بود، فضای دیگری را برای کتابخانه به ما دادند. شرایط تغییر کرده بود، مثلاً، ما بخش سمعی و بصری را هم به کتابخانه اضافه کردیم، نوار کاست و فیلم و ویدئویی می آوردیم و درکنار امانت کتاب، به بقیه امانت می دادیم. می شد نرم افزارهایی هم خرید. سال ۱۳۸۲، برای کتابخانه نرم افزار خریدیم، نرم افزار



تخصصی و پایان نامه ها و طرح های پژوهشی ما استفاده می کنند. با اتکا به تعداد مراجع، نه امانت، سالانه ۲۰ هزار نفر به اینجا می آیند حتما.» او، در ادامه صحبت هایش، می گوید: «منابع تخصصی خیلی خوبی داریم، مخصوصاً در حیطه حسابداری، بخشی هم تحت عنوان 'مشهد قدیم' داریم که صداوسیما، وقتی می خواهد درباره مشهد برنامه تهیه کند، به سراغش می آید. درکنار منابع تخصصی، منابع عمومی خوبی هم داریم، در حوزه های ادبیات، روان شناسی، دین و تاریخ، کمی محدودتر، در حوزه های سیاسی، تربیتی و جامعه شناختی هم

کتاب داریم. در بخش روابط عمومی، منابع قوی زیادی داریم و هر سال هم تقویتی می کنیم. از آنجایی که کتابخانه زیرمجموعه روابط عمومی است، می توانم بگویم در این حوزه تکمیل هستیم و می شود گفت حرف اول را در کتابخانه های سطح استان می زنیم، حتی در حوزه معماری و شهرسازی. حتی دانشجویان دانشگاه 'خیام' که در حیطه معماری مطرح است- به ما رجوع می کنند. همچنین، برای استفاده از طرح های پژوهشی، مراجعه کننده زیاد داریم. می آیند ساعت ها اینجا می نشینند و از این فضا استفاده می کنند.»

● جست وجو در منابع فقط از داخل کتابخانه

اما، در گذر زمان، یک نکته در این میان تغییر کرده است. نوری در این باره می گوید: «برنامه ما این طوری بود، کسی که می خواست به کتابخانه مراجعه کند، می توانست ابتدا جست وجو را در خانه انجام بدهد

و ببیند کتاب موجود است یا نه، یا مثلاً دست کسی امانت است یا نه، اما، از سال گذشته که بحث های امنیتی پیش آمد، سازمان کامپیوتر دسترسی را محدود کرده است و جست وجو فقط از همین جا انجام می شود. درواقع، دسترسی فقط داخلی است، البته سازمان دسترسی بیشتر برنامه ها را محدود کرده است، خیلی از نرم افزارهایی که تأییدیه افتا [سرمای 'امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات'] [پاره ای مجوزهای امنیتی انظر سازمان] را ندارند، دسترسی عمومی شان محدود شده است.»

● کتاب های کودک و نوجوان، در کانون توجه

نوری، در بخش پایانی صحبت هایش، از این می گوید که تمرکز کنونی کتابخانه بر تهیه و خرید کتاب های کودک و نوجوان است، کتاب هایی که اکنون چند قفسه ای را در کتابخانه به خود اختصاص داده است. او می گوید: «نیازسنجی در دوره های مختلف، فرق می کند، در این حدودا سی سالی که اینجا بوده ام، در برهه ای، نیاز کتاب های کمک درسی بود، بعد، به مرور، رفته رفته سراغ تخصصی شدن در زمینه ها... و مدیریت و شهرسازی و عمران و... الان هم دوسه ماهی است براساس نیازی که همکاران به

ما اعلام می کنند، کتاب ها را تهیه می کنیم. اکنون، بخش زیادی از بودجه را اختصاص داده ایم به خرید کتاب های کودک و نوجوان.» به گفته او، کتابخانه مرکزی شهرداری، امروز، بالغ بر ۲۸ هزار و ۱۹۴ جلد کتاب و ۶ هزار و ۳۸۲ جلد پایان نامه و طرح پژوهشی دارد.

زهرا نوری مطلق:
«در سال، ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر به تناوب بار- می آیند، از طرف دیگر، چون منابع تخصصی زیادی داریم، بسیاری از محققان و استادان دانشگاه، از منابع تخصصی و پایان نامه ها و طرح های پژوهشی ما استفاده می کنند»

ضرورت ساده سازی و فارسی نویسی در اسناد حقوقی

و همچنان همان ادبیات تخصصی و پیچیده را به کار گرفته است که، چون به مواد قانون تبدیل می شود، ساده سازی و فارسی نویسی آن ها دشوار خواهد بود. حال آنکه این ادبیات با زبان معیار همه فهم فاصله دارد. بنابراین، گذشته

از فراوانی قوانینی که از گذشته به ما رسیده است و باید ساده سازی شود، برای نوشتن قوانین جدید هم در قوای سه گانه هیچ اعتنایی به این موضوع نمی شود و همچنان قوانینی نوشته می شود که از فهم عمومی به دور است.

از این رو، دو نکته باید در ذهن قانون گذار و جامعه حقوق دان به باور تبدیل شود: اول، به رسمیت شناختن اینکه مخاطب اصلی این اسناد عموم مردم اند. و دوم اینکه پاسداری از زبان فارسی وظیفه آن ها هم هست. شاید یادآوری این نکته هم جالب باشد که خدا رحم

کرد در فرهنگستان اول و دوم، انبوهی از واژه های حقوقی به برابرهای زیبای فارسی تبدیل شد و کمک شایانی به زبان فارسی و ساده نویسی کرد.

ندارد، حال آنکه «مخاطب» عنصر پایه ای هر نوشته است. گواه این ادعا را بازهم می توان به دیدگاه یک حقوق دان دیگر مستند کرد. دکتر عباس شیخ الاسلامی، در جایی،

گفته بود: «ساده سازی اصطلاحات حقوقی بر کاهش پرونده ها و شکایات حقوقی تأثیرگذار خواهد بود. بسیاری از شکایاتی که در دادگستری ها مطرح می شود، به این دلیل است

که مردم نمی دانند چه چیزی را امضا می کنند و متن قراردادها برایشان مبهم است.»

اینکه متون حقوقی ما چنین است، از یک سو، برمی گردد به اینکه استنادات و ارجاعات فراوانی به متون قهقی دارد که امکان فارسی سازی بسیاری از این اصطلاحات وجود داشته و دارد. ولی کوتاهی شده است، ازطرفی هم برمی گردد به قانون گذاری که در این دهه های گذشته همچنان قوانینی را تصویب کرده که هیچ توجهی به مخاطب و زبان فارسی نداشته است،

دارند! نمونه می دهد: «اسقاط کافه خیارات شد، بالاخص خیار غین فاحش لوافتحش» که در بسیاری از اسناد حقوقی نوشته می شود. در ادامه، به نکته ظریفی اشاره می کند و اینکه «مگر این قراردادها

بین دو نفر بسته نمی شود که باید از آن سر در بیاورند و بدانند چه چیزی را امضا می کنند؟»

به این اعتبار که بیان سژ دلبران در گفته دیگران خوش تر نشیند، بازهم به ایراد جدی دیگری که ایشان می گوید، اشاره می کنم و آن اینکه «متن قانون باید به لحاظ ادبی صحیح باشد؛ بعضی از موادی که ما نوشته ایم، فعل ندارد» این سخن به این معناست که متون حقوقی که در دادگاه ها و دفاتر اسناد رسمی وثبتی و گاه ادارات، آن هم برای عموم مردم، نوشته

می شود، کمترین اعتنا را به روان نویسی، دستور زبان، واژه ها و ساختار جمله بندی فارسی دارد و مهم تر از همه اینکه گویا مخاطب این نوشته ها برای نویسندگان این اسناد چندان اهمیتی



دکتر عباس شیخ الاسلامی



سیدعلی زرنابی:
بسیاری از این اصطلاحات حقوقی را خدوتان هم بعد از مدتی متوجه نمی شوید، چه برسد به مردمی که فرسنگ ها با دانستن این اصطلاحات فاصله دارند!

همه ما با ادبیات درهم و گنگ و پیچیده اسناد حقوقی انباشیم و دست کم یک سند ساده دفاتر اسناد را خوانده یا ناخوانده، امضا کرده ایم که پر از اصطلاحات تخصصی حقوقی و جمله بندی های بی سرنو و طولانی بوده است، سندهایی که

بیش از هر نوشته دیگری ضرورت دارد نویسنده مفاد آن را به درستی و دقیق به مخاطب منتقل کند و مخاطب هم دقیق و کامل وبی ابهام از آن سر در بیاورد، چه سندی ساده باشد چه نتیجه طرح یک دعا و رای دادگاه. اما آیا این ادبیاتی که امروزه در این سندها نوشته می شود، چنین

ویژگی لازم و ضروری را دارد؟ احتمالاً ویدئو سخنرانی دکتر سیدعلی زرنابی، از استادان و پیشکسوتان رشته حقوق، را دیده و شنیده اید. ایشان، که برای حقوق دانان و دانشجویان این رشته سخنرانی می کند، در بیانی صریح، البته به عتاب، می گوید که «بسیاری از این اصطلاحات حقوقی را خدوتان هم بعد از مدتی متوجه نمی شوید، چه برسد به مردمی که فرسنگ ها با دانستن این اصطلاحات فاصله

